

قله‌های اخلاق در یکی‌یک‌دانه اهل‌بیت(ع)



حجت‌الاسلام سیدمهدی حائری‌زاده

کارشناس و خطیب مذهبی

حضرت سیدالشهدا^(ع) به تصریح زیارت عاشورا، «اَلُوْثَرُ الْمُؤْتُوْر»؛ پایه تعبیر عامیانه، یکی‌یک‌دانه اهل‌بیت^(ع) هستند و ویژگی‌هایی دارند که دیگر ائمه یا آن‌ها را ندارند یا در وجودشان به این پیرنگی و برجستگی نیست؛ ازجمله این خصایص، تعداد زیارت‌های وارد شده برای آن حضرت است که به ۸۳ فقره می‌رسد؛ یعنی به‌تنهایی برای حضرت سیدالشهدا^(ع) ۸۳ زیارت انشا شده است. امام حسین^(ع) تنها امامی هستند که زیارت اربعین دارند و نیز تنها امامی هستند که با همه زندیکان اعم از همسر، فرزند، خواهر و برادر و یاران، رهسپار میدان دفاع از حق شدند و به سخت‌ترین شکل ممکن، مشمول آزمون و ابتلای الهی قرار گرفتند. علاوه بر این، حیات‌شعبه یا امام حسین^(ع) و عاشورای ایشان گره خورده است و نیز آینده‌شعبه و جهان از طریق امید به آینده و مهدویت باحضرت سیدالشهدا^(ع) پیوندی عمیق دارد؛ چنان‌که شعار یاران امام‌زمان^(عج) «یاثارات‌الحسین^(ع)» است.

پرچمدار جهاد تبیین

آنچه در زیارت‌های سیدالشهدا^(ع) جامعیت دارد، مسئله تولی و تبری است؛ یعنی دوستی با خدا و اولیای او و دشمنی با دشمنان خدا. همه صفات نیکو در امریه معروف و نهی‌ازمنکر وجود دارد؛ فرضیه‌ای که حضرت برای اقامه آن قیام کردند. امریه معروف و نهی‌ازمنکر مطالبه‌گری است و تا مردم مطالبه نکنند، اتفاقی نمی‌افتد. علاوه بر این، حضرت سیدالشهدا^(ع) پرچمدار جهاد تبیین بودند؛ حدود چهار پنج سال قبل از وقوع عاشورا، خطبه‌ای مفصل در منا ایراد کردند، درحالی‌که هزار نفر از نخیکان پای صحبت ایشان نشسته بودند. امام در آن جمع بر تبیین و روشنگری وقایع تأکید و بیان کردند؛ مصیبت اعظم، نخبگانی هستند که می‌توانند تبیین کنند، اما چنین نمی‌کنند؛ یعنی در نگاه ایشان، اعظم مصائب آن چیزی نبود که در عاشورا بر ایشان و یاران و اهل بیتشان گذشت و حتی کشته شدن جزو آن‌ها نبود.

چون تبیین انجام نشد و افکار عمومی روشن نشد، عاشورا رقم خورد و مردم، امام‌زمان خود را به شهادت رساندند؛ البته امام حسین^(ع) آغازگر جنگ نبودند، بلکه نخستین تیر را سپاه دشمن انداخت. حضرت سه مرتبه با لشکر دشمن سخن گفتند و به فرماندهان سپاه ابن‌زیاد مثل عمرسعد نصایحی کردند اما آن‌ها به دلیل مطامع دنیوی، حرف ایشان را نشنیدند. مقاومت و جهاد تبیین تا آخرین لحظه حیات در سیره حسین جاری بود.

آموزش نتیجه‌گرایی به‌جای وظیفه‌گرایی

حضرت سیدالشهدا^(ع) برای رسیدن به قدرت و قهرمانی به میدان جهاد وارد نشدند. ایشان به ما وظیفه‌گرایی را یاد دادند. نه نتیجه‌گرایی را تا بدانیم چه کشته شویم و در ظاهر شکست بخوریم و چه پیروز شویم، در هر دو صورت توفیق با ماست. امام حسین^(ع) در ابعاد فردی، اجتماعی، خانوادگی، نظامی و... در اوج بودند و با خدا رابطه‌ای ویژه داشتند. توکل امام نیز در بالاترین سطح بود و در روز عاشورا با همه آن چنانیاتی که در حق ایشان، یاران و فرزندانشان شد، خطاب به خدا فرمودند اگر ۷۰ هزار بار کارزار کربلا و عاشورا تکرار شود، باز مطیع امر تو هستم.

امام حسین^(ع) در روابط اجتماعی نیز در سطحی بالا از مقبولیت بودند؛ هم به‌عنوان نوه پیامبراکرم^(ص) و هم به‌دلیل سیره ممتازی که داشتند؛ همچون رسیدگی به فقرا، مدارا با مردم و تعامل و توقع از مردم به قدر توان آن‌ها. حضرت اباعبدالله^(ع) در روابط خانوادگی نیز در اوج بودند و به‌زیبایی با اعضای خانواده تعامل می‌کردند و می‌فرمودند: «خانه‌ای که رباب و سکنینه در آن نباشند، برای من مقبول نیست». ایشان در بجهوحه جنگ، دست نوازش بر سر فرزندان می‌کشیدند؛ برای همین سیره است که در دل روضه‌های حسینی، زیباترین مسائل عاطفی و ارتباط با خانواده ترسیم می‌شود. به‌دلیل همین قله‌های اخلاقی در سبک زندگی حسینی است که اگرچه طرفداران آن حضرت از نظر تعداد، محدود و کم بودند، از نظر ابراز محبت و همراهی و اخلاص، در بالاترین سطح قرار داشتند و آن حماسه‌ها را آفریدند.

اشارت

کسی نپرسید

ریحانه عامل‌نیک؛ نیمه محرم است و ماه بر فراز کاروان اسرا از حد کمال خود عبور کرده است. ۶۱ سال قمری است. در کوفه سرهای شهدا را در کوچه‌ها نمایش داده بودند و اسرا با خطابه‌های خود، ننگ تاریخی اهل کوفه را به یادشان آوردند اما مسیر بعدی شام بود. شهر بی‌خبر، سرهای شهدای کربلا به سوی شام فرستاده شده است. شیخ عباس قمی در نفس‌المهموم ص ۲۰۱ می‌نویسد: «ابن‌زیاد سر مبارک امام حسین^(ع) و اصحاب آن حضرت را به همراه کودکان و زنان آماده و مهبیای حرکت به سوی شام نمود و غل به گردن علی‌بن‌الحسین^(ع) نهاد و آن‌ها را با مخضربن‌علیه عائذی و شمر بن ذی‌الجوشن به شام فرستاد».

یک کنج‌کاوی ساده نبود، اتفاق‌های عجیبی آن شب در دیر راهبان مسیحی رخ داده بود. باز پرسید، نام مادرش چیست؟ خولی گفت؛ فاطمه بنت محمد مصطفی^(ص). راهب پرسید؛ همان محمدی که پیغمبر خودتان است؟ خولی گفت؛ آری. راهب مثل اسپند بر روی آتش شده بود، «فقرین و هلاکت برای شما باد به خاطر کاری که کردید». با هر توفندی که بلد بود، سر مبارک حسین^(ع) را تا صبح پیش خودش نگه داشت. می‌گویند راهب سر مطهر را به مشک خوشبو کرد و آن را روی سجاده‌اش گذاشت و تمام شب را به نجوا و مناجات گریه کرد.

پانزدهم ماه محرم سال ۴۰ قمری بود. زمانی که مأمون دستور هجرت امام‌رضا^(ع) از مدینه به مرو را داد، کسی نپرسید چرا هجرت؟ چرا به اجبار؟ سال ۶۰ قمری هم کسی نپرسیده بود چطور ممکن است فرزند رسول خدا و فردی از خاندان پاکش را به شهادت برسانند و مردم فکر کنند آب از آب تکان نخورد است. شأن و مقام امام‌رضا^(ع) و محبوبیت ایشان در میان مردم به اندازه‌ای بود که برای مقابله با ایشان از خاک و دیار جدایش کردند و با ترفند و حيله به شهادتش رساندند.

بردار و بخوان

اخلاق حسینی

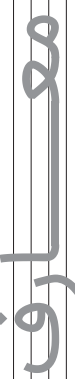
بیشتر آنچه ما را به دوست داشتن و علاقه‌مان به یک شخص ترغیب می‌کند، چیست؟ اگر آن شخص بزرگی باشد، چطور؟ چرا به او علاقه مند می‌شویم؟ مسلماً خلق و خو و سبک زندگی آن فرد است که باعث می‌شود او در نظر ما آراسته به فضایل و شایسته ستایش و احترام باشد؛ چراکه آنچه معیار سنجش افراد است، عملکرد آن‌ها در موقعیت‌های مختلف است. پیامبر اعظم ما بارها ذکر کرده‌اند که برای احیا و رواج مکارم اخلاق مبعوث شده‌اند. از چنین پیامبری، نسل پاک و مطهری که مزین به سجایای اخلاقی‌اند، بر جای خواهد ماند. امروز کتابی را مرور می‌کنیم که درباره اخلاق امام حسین^(ع)، سومین امام ما شیعیان، نوشته شده است. کتاب «اخلاق حسینی»، نوشته جعفر بیاتی، با ترجمه موسی دانش، این کتاب شامل این عناوین است:

چرا باید اخلاق اهل‌بیت^(ع) را برگزید؟ اندرزهای حسینی، سخاوت حسینی، شجاعت حسینی، غیرت حسینی، صلابت امام حسین^(ع)، مهربانی حسینی، خصلت‌های امام حسین^(ع)، فضایل امام حسین^(ع).



ايشنه
۳۱ سپتمبر ۱۴۰۲
۱۵ محرم ۱۴۴۴
شماره ۴۴۴۴

۱۴



تضمین بقای دین و سلامت اجتماع با امریه معروف و نهی از منکر

امر به خوبی‌ها

آئمه مستقیمی اسلام نسخه حیات طیبه یا همان زندگی‌ای که آرزویش را داریم، به ارمان‌آورده است. صرفاً جنبه فردی ندارد که به سجاده و کنج خانه محدود شود، بلکه اتفاقاً بخش عمده‌ای از احکام و دستورات این برنامه سعادت، جنبه اجتماعی دارد و طوری وضع و ابلاغ شده است که عرصه اجتماع سالم و ایمن باشد. «امر به معروف و نهی از منکر»، از جمله همین احکام است که در اهمیت آن همین پس که قیام تاریخ‌ساز عاشورا با محور و برای آن شکل گرفت. در این باره با حجت‌الاسلام و المسلمین هادی عجمی، استاد سطوح عالی حوزه علمیه و مدرس فقه فرهنگی، گفت‌وگو کرده‌ایم.

ضامن بقای اسلام

نقش هر مسلمان در تعیین سرنوشت جامعه و تعهدی که باید نسبت به مسئولیت‌های اجتماعی داشته باشد، ایجاب می‌کند که او ناظر و مراقب همه اموری باشد که پیرامون وی اتفاق می‌افتد. این مهم در فقه اسلامی با عنوان «امر به معروف و نهی از منکر» مطرح شده و از مهم‌ترین مبانی تفکر سیاسی یک مسلمان و از مهم‌ترین فرایض و ضامن بقای اسلام است.

ره‌آورد امر به خوبی‌ها

عدالت اجتماعی از دستاوردهای امریه معروف و نهی از منکر است. نظارت عمومی، زمینه فراگیری عدالت اجتماعی را فراهم می‌کند و ضمن تعدیل ثروت‌های جامعه، زندگی عادلانه‌ای برای اقشار مختلف مردم رقم می‌زند. سلامتی جامعه و فراوانی خیر و برکت، آبادی و عمران زمین، حلال شدن کسب وکارها و درآمدها از دیگر برکات عمل به این فرضیه است.

باید معروف و منکر را شناخت

امر به معروف و نهی از منکر حکمی مهم و با کارکردهای اجتماعی است. اسلام به ما می‌گوید اگر فردی در فضای شخصی کار ناپسندی انجام داد و گمان کرد که ما از آن باخبر نشده‌ایم، باید تهافل خود را به ندیدن زد؛ اما در امور اجتماعی اگر یک امر ناپسند در مقابل دید همگان قرار بگیرد، باید درصدد اصلاح اجتماعی برآمد. البته امر به معروف و ناهی از منکر باید معروف و منکر را بشناسد و تشخیص دهد آنچه رخ داده، جزو منکرات است. اگر کسی این آگاهی را نداشته باشد، امر و نهی بر او واجب نیست.

پشتیان اجتماعی احکام

در فرایند اصلاح اجتماعی، امر به معروف و نهی از منکر در مرحله دوم قرار دارد. این سازوکار را خداوند به عنوان پشتیبان اجرای احکام الهی در اجتماع وضع کرده است. اسلام بعد از نشر اجتماعی فساد درصدد اقدام برمی‌آید و قبل از آن بنایی برای تعزیر ندارد. بخش قابل توجهی از این تعزیر و حدود هم ناظر بر اصلاح اجتماعی است. نه اینکه صرفاً بخواهد یک کار شخصی انجام دهد. براساس این نوع نگاه، ما می‌توانیم بحث امر به معروف و نهی از منکر و به‌طور خاص حرکت امام حسین^(ع) را تحلیل کنیم.

اصلی‌ترین دلیل قیام عاشورا

امام حسین^(ع) در ماجرای تاریخ‌ساز عاشورا پایه‌واساس وافق و هدف حرکت اصلاحی خودشان را اجتماعی و امر به معروف و نهی از منکر معرفی کردند. ایشان در نامه‌ای به محمد بن حنفیه توصیه کردند برخلاف آنچه عنوان شده است، من هیچ‌گونه افسادی ندارم و مخالفت من در راستای اصلاح امت جدم است و در ادامه می‌فرمایند: من می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر و سیره جدم پیامبر^(ص) و امیرالمؤمنین^(ع) را اجرا کنم. امام حسین^(ع) در طول مسیر از مکه به سمت کربلا هم از این واجب دست نکشیدند و امثال زهیر بن قین و دیگران با همین اصلاح اجتماعی حضرت سیدالشهدا^(ع) عاشورایی شدند. ایشان در روز عاشورا تلاش کردند سپاهیان و حتی عمرسعد را متوجه اشتباهشان کنند، اما به‌فرموده حضرت، چون دل‌هایشان از مال حرام آلوده بود، سخن حضرت در آن‌ها اثر نکرد. برای همین هم در زیارت مخصوص ایشان می‌خوانیم: «أَمَرْتُ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتُ عَنِ الْمُنْكَرِ».

روشنا

وَ اضْبِرْ قَائِلًا... لَا يُضَيِّعُ أَجْرَ الْمُخْسِنِينَ (سوره هود، آیه ۱۱۵)

صبر کن ای پیغمبر براذیت مردم که خدا ضایع نمی‌کند اجر نیکوکاران را.

چشم‌گریان

«گریه که زن و مرد نداره، این حرفا رو وزن مامان!»، پسرچه پشت لبش سبز شده بود، اما با چشم‌های سرخ و چهره‌ای مغموم با مادرش حرف می‌زد. نمی‌دانم مادرش برای چه چیزی دعوایش می‌کرد و می‌گفت: «پسر که نباید این قدر دل‌نازک باشه»، اما انگار پسر دل‌نازک بود. با لباس نانوائی ایستاده بود و مادرش هنوز داشت دستش را با عصبانیت در هوا تکان می‌داد و پسر اشک

می‌ریخت. رفتم جلوتر. نزدیک نانوائی از شاطر پرسیدم: «نون بدون نوبت چند تا می‌دهید؟». شاطر گفت: یکی! پرسیدم: «شاگردت چه کرده که این قدر دعوایش می‌کنند؟». شاطر خندید: «از حقوق خودش به بقیه نان می‌ده. پسر

دل‌رحمیه». کارتم را دادم به شاطر و گفتم: «هرچه مجانی این ماه نان داده، از کارت من بکش». یک دانه نانم را گرفتم و رفتم. پسر هنوز داشت سعی می‌کرد مادرش را قانع کند زنی که نان سوخته‌ها را جمع می‌کند و برای خانه می‌برد، حق دارد در هفته،

دو تا نان سالم هم به خانه ببرد. بیخود نبود تا چشم‌های اشکی‌اش را دیدم که آن قدر راحت گریه می‌کرد، یاد این جمله امام حسین^(ع) افتادم؛

«بُكَاءُ الْغُيُوثِ وَ حَسْبُهُ الْقُلُوبُ مِنْ رَحْمَةِ...!»، گریستن چشم‌ها و ترسیدن قلب‌ها، رحمتی از جانب خداست». (مستدرک‌الوسائل، ج ۱، ص ۲۴۵، ح ۳۵).

احکام

مسلمانی که از دنیا می‌رود، باید غسل داده شود، مگر شهید در میدان معرکه و جنگ.

تماس بدنی با بدن میت، غسل متش میت دارد، مگر در سه صورت:

(الف) شهید در معرکه جنگ.

(ب) میت مسلمانی که غسلش داده‌اند.

(ج) میتی که تازه مرده است و بدنش گرم است.

شهدا و غسل میت

این روزها که درباره شهدای کربلا می‌خوانیم و آیین تدفین آن‌ها توسط امام معصوم^(ع) به‌گوشمان می‌خورد، سؤال می‌شود که آیا شهید هم غسل دارد. باید بگوییم:

